

نقش فناوری اطلاعات بر دیپلماسی کشورها در عصر جهانی شدن

سجاد بسی صفت*

جهانی شدن یک فرآیند تاریخی است که ثمره نوع آوریهای بشر همراه با پیشرفت فناوری است. این پدیده نخست با رشد اقتصادی و جریانات مبادلات مالی، دانش و کار آغاز شده و ابعاد دیگری چون فرهنگ، سیاست یا محیط زیست را دربر گرفته است. البته تاکنون تعریف عملیاتی و روشنی از «جهانی شدن» ارائه نشده است، زیرا این پدیده همچنان دستخوش تحول است

دیری نخواهد پایید که فناوریهای نوین اطلاعاتی علاوه بر مرزهای مجازی، مرزهای فیزیکی را نیز از صحنه روزگار محو کرده و مرزبندیهای امروزی را از بین خواهند برد که از این پدیده بعنوان جهانی شدن یا **Globalization** یاد میکنند. حال با استفاده از فناوریهای نوین اطلاعاتی و گسترش و جهانی شدن بازارها، دسترسی به بازارهای بزرگ دنیا، دیگر غیر ممکن نیست، اما کشورها برای اینکه بتوانند از این پدیده بهره ببرند، باید از دنیای تکنولوژیکی حاضر بهترین بهره را برده و سیاستهای درست و لازم را پیاده کنند. جهانی شدن یک پدیده جدید نیست. برخی تحلیلگران بر این باورند که اقتصاد، ۱۰۰ سال پیش نیز جهانی شده بود. اما با وجود پیشرفت در همه زمینه های علمی، این پیشرفتهای در کشورها بطور یکسان نبوده و با گذشت سالها، شکاف بین کشورهای ثروتمند و کشورهای فقیر عمیقتر شده است. مسئله جهانی شدن و ، مسئله یک کشور نیست بلکه مسئله احتیاج جهانی برای ارتباط کامل با خودش میباشد. توماس فیدمن در کتابی با عنوان "جهان مسطح است" می گوید جهانی شدن یک هوس زودگذر یا یک روند نیست. جهانی شدن در واقع یک سیستم بین المللی است که جایگزین سیستم جنگ سرد شده است. باید دقت کنیم که جهانی شدن یک انتخاب نیست بلکه یک فرآیند اجتناب ناپذیر است.

دیپلماسی نوین (سایبردیپلماسی) نیز موضوعی است که اساساً در دوران پس از جنگ سرد و با گسترش فرآیند جهانی شدن در چارچوب "فضای جریانها" مطرح شده و امروزه به عنوان یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند کنش در فضای بین الملل در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است. اساس شکل گیری دیپلماسی نوین مبتنی بر کاستیهای دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تامین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین الملل در چارچوب تعاملات فزاینده و چند وجهی اقتصاد جهانی است. آنگونه که "ستو" تعریف کرده است دیپلماسی عبارت است از به کارگیری هوش و تدبیر در هدایت روابط رسمی میان حکومت های دول مستقل است. آنچه در تعریف (سنتی) "ستو" از دیپلماسی به طور ضمنی آمده این است که

دیپلماسی حوزه انحصاری وزارت امور خارجه دولت‌های ملی است. اما بر خلاف تعریف فوق، جهانی شدن بر مبنای الزامات فضای جریان‌ها، مرزهای حرفه‌ای دیپلماسی را از بین برده و ادعاهای سرزمینی دیپلمات‌های سنتی را به چالش کشیده است. بازیگران دیپلماتیک رقیب در داخل و خارج دولت‌ها بوجود آمده‌اند که مستقل از وزارت‌خانه‌های امور خارجه عمل می‌کنند. یا به تعبیر "شولته"، جهانی شدن شامل رشد روابط فراملی میان مردم است. در عصر جهانی شدن، دیپلماسی سنتی مبتنی بر الگوی دولت - ملت، به چالش کشیده شده و به دلیل ورود شمار فزاینده‌ای از بازیگران غیردولتی و حتی وزارت‌خانه‌های جدید ورود به این عرصه، فضای پیچیده پدید آمده است. بازیگران غیردولتی نظیر دیپلمات‌های اقتصادی با اتحادهای چندگانه فراملی به حوزه سنتی دیپلماسی اضافه شده‌اند. به نظر می‌رسد در تعامل با مسائل ناشی از جهانی شدن دیپلمات‌های متخصص در سایر دیپلماسی به گونه‌ای موثرتر می‌توانند به تامین منافع ملی کشورشان کمک کنند. دیپلماسی مدرن اغلب به‌عنوان یکی از محصولات نظام دولت‌های وستفالیایی در نظر گرفته می‌شود؛ نظامی متشکل از دولت‌های سکولار، دارای حاکمیت مستقل و برابر که ثبات آن به‌واسطه موازنه قوا، دیپلماسی و حقوق بین‌الملل تامین می‌گردد. اما در شرایط کنونی بازیگران غیردولتی نیز در عصر فضای جریان‌ها حائز اهمیت شده‌اند. برای مثال حملات یازده سپتامبر توسط یک گروه غیردولتی (القاعده) علیه یک دولت - ملت (آمریکا) صورت گرفته است. بنابراین ماهیت اروپا-محور نظام وستفالیایی با دنیای جهانی شده امروز همخوانی ندارد. به این ترتیب بازیگران فراملی، فروملی و غیردولتی، دولت‌های ملی را به چالش کشیده‌اند. با این اوصاف شاید تعریف "ملیسن" مناسب‌ترین تعریف از دیپلماسی در دنیای کنونی باشد؛ وی دیپلماسی را به عنوان ساز و کار نمایندگی، ارتباطات و مذاکره می‌داند که از طریق آن دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی روابطشان را هدایت و تنظیم می‌کنند.

باید اذعان داشت فرایند جهانی شدن، تاثیری ژرف بر حیطه‌های مختلف زندگی داشته است. «جهانی شدن»، گفتمان جدیدی است که می‌کوشد مفاهیم متعددی را به چالش بکشد، مفاهیمی چون حاکمیت ملی، هویت، فرهنگ و... لذا می‌توان دیدگاه‌های مرتبط به (Globalism) را به دو معنای «جهانی شدن» و «جهان‌گرایی» ترجمه نمود که مقایسه این دو مفهوم به شرح ذیل است.

جهانی شدن از پایین به بالا و به استقبال یک جهان رفتن و آشناسدن با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آرا و نظریه‌های دیگران است در حالی که جهان‌گرایی از بالا به پایین و با اجبار نفی دیگران و نادیده‌انگاشتن اراده عمومی دیگر ملتهاست.

رسانه‌های اطلاعاتی مرزهای جهان امروز را به مرزهای شیشه‌ای تبدیل کرده‌اند و به عبارتی مرزها را حذف کرده‌اند تا دهکده جهانی محقق گردد. بدین ترتیب نقش این رسانه‌ها اگر به عنوان یک ابزار مورد توجه قرار گیرند، مشکلی به وجود نخواهد آمد، اما اگر این رسانه‌ها، خود پیام شدند قطعاً مشکلات جدی را گریبان گیر جوامع خواهند کرد. مک لوهان نظریه پرداز دهکده جهانی ارتباطات می‌گوید: رسانه یک ابزار نیست، خود پیام

است. بنابراین یکی از مهمترین عواملی که امروزه جهانی شدن را می سازد، رسانه ها می باشند که اینترنت پرچم جهانی شدن فرهنگ است. اگرچه فن آوری را اغلب نیروی محرکه ی فرآیند جهانی شدن میدانند ولی در این جا با سیاست نیز سروکار داریم. زیرا واژه ی جهانی شدن فقط پس از سقوط کمونیسم رایج شد .

امروزه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها به عنوان یک عامل تعیین کننده در نظام بین الملل تحت تأثیر و تعامل تحولات شگرف در عرصه ارتباطات قرار گرفته است؛ چنانچه سایبر دیپلماسی به عنوان یکی از شاخه های اصلی فعالیت های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است و بخش قابل توجهی از دیپلماسی عمومی کشورهای به ویژه قدرتمند جهانی را به خود اختصاص داده است. در حالی که گروهی دیگر اعتقادی به تأثیرگذاری رسانه ها بر تصمیم گیری های سیاست خارجی ندارند و این گونه تحلیل می نمایند که شواهد متقن در مورد تأثیرگذاری رسانه های جمعی بر تصمیم گیری های سیاست خارجی وجود ندارد و تصمیم گیرندگان به ندرت تصمیم های خود را به خاطر رسانه ها تغییر می دهند. اما در عصر پست مدرن یا دوران جهانی شدن، به همان میزان که فاصله ها کمتر شده و جهان در هم تنیده است، تهدیدها نیز بیشتر و فراگیرتر گردیده است. بنابراین اقتضات جهان کنونی، جوامع بشری نمی توانند در قبال تحولات پدید آمده در اقصی نقاط جهان بی تفاوت بمانند. تکنولوژی پیشرفته ارتباطات و سرعت داد و ستد اطلاعات، جهان بزرگ را به عرصه وسیع بازی فعالانه تمام بازیگران مبدل نموده است. در این وضعیت، قدرت مانور از آن کسی است که می تواند با نقش آفرینی فعال، موجب تأثیرگذاری بر دیگران شود.

امروزه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها به عنوان یک عامل تعیین کننده در نظام بین الملل تحت تأثیر و تعامل رسانه ها تحولات شگرف در عرصه ارتباطات قرار گرفته است؛ همانگونه که شبکه CNN در جنگ خلیج فارس نقش مهمی را در دیپلماسی عمومی ایفا کرد. چنانچه سایبر دیپلماسی به عنوان یکی از شاخه های اصلی فعالیت های دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی پدیدار شده است و بخش قابل توجهی از دیپلماسی عمومی کشورهای به ویژه قدرتمند جهانی را به خود اختصاص داده است. از این منظر گروهی از محققین و کارشناسان این گونه تحلیل می نمایند که اساساً سایبردیپلماسی از رسانه ها در جهت ارتقای سیاست خارجی کشورها استفاده می کند و رسانه به مثابه ابزاری در دیپلماسی تلقی می شود که با استفاده از این ابزار، دیپلمات ها و سیاست گذاران می توانند نیات و مقاصد خود را به عنوان دیپلماسی، مورد محک و در معرض چالش های دیپلماتیک قرار دهند. بر اساس این تحلیل ها، رسانه ها بر دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذار بوده و سایبردیپلماسی نیز عمدتاً در راستای سیاست خارجی، منافع ملی کشورها و تأثیرگذاری بیشتر بر افکار عمومی و تغییر و تحولات عمل می نماید؛ در حالی که گروهی دیگر اعتقادی به تأثیرگذاری رسانه ها بر تصمیم گیری های سیاست خارجی ندارند و این گونه تحلیل می نمایند که شواهد متقن در مورد تأثیرگذاری رسانه های جمعی بر تصمیم گیری های سیاست خارجی وجود ندارد و تصمیم گیرندگان به ندرت تصمیم های خود را به خاطر رسانه ها تغییر می دهند. هرچند که ممکن است به خاطر رسانه ها، ناگزیر از واکنش نشان دادن می باشند. فناوری اطلاعات کمک می کند

تا دولت مردان و دیپلمات‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، رفتارهای خود را در نظر بگیرند و آن را اصلاح کنند. کشمکش و همزیستی توأمان فضای مکان‌ها و فضای جریان‌ها در عصر جهانی شدن، باعث شده است که دیپلماسی سنتی به ابزاری ناکافی برای کنش و واکنش بازیگران بین‌المللی تبدیل شود. در چنین شرایطی، پرورش‌یافتگان مکتب دیپلماسی سنتی با مشکلات و چالش‌های عمده‌ای در انجام ماموریت‌های خود مواجه خواهند شد. این در حالی است که سایر دیپلماسی با لحاظ کردن پیچیدگی‌های فرآیند جهانی شدن به‌ویژه در بعد اقتصادی و سیاسی همچنین توجه به مولفه‌های فضای جریان‌ها و بازیگران جدید غیردولتی این عرصه، ابزار مناسبی برای تحقق منافع کنش‌گران بین‌المللی فراهم می‌آورد. بر این اساس ورود به عرصه دیپلماسی اقتصادی یک ضرورت انکارناپذیر به نظر می‌رسد. برای این منظور، ارتقا توانمندی دیپلمات‌های سنتی برای تبدیل آنها به دیپلمات‌های اقتصادی و همچنین سرمایه‌گذاری و پرورش نسل جدیدی از دیپلمات‌ها برای پیشبرد دیپلماسی حائز اهمیت حیاتی است.

با توجه به آمار پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه ایران در جایگاه ۹۵ دنیا در زمینه دولت الکترونیک قرار دارد و در زمینه آمادگی دیجیتال ایران در خاورمیانه رتبه آخر را دارد و در فیلترینگ، اینترنت ملی، و تولید محتوایی وب با ابهام مواجه هستیم. این در حالی است که بر اساس سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور باید در سال ۱۴۰۴ در زمینه فناوری هسته‌ای، هوافضا، نانو، محیط زیست و ICT دارای رتبه اول در منطقه باشد. فناوری اطلاعات در این سند با فناوری هسته‌ای در یک ردیف قرار گرفته است از این رو اهمیت پرداختن به فناوری اطلاعات مشخص می‌شود. عقب ماندگی در حوزه فناوری اطلاعات مباحث ملی را هم دچار مشکل کرده است که یکی از این موارد بحث خلیج فارس و نسبت آن به عرب‌ها است. به طور مثال در سایت گوگل به عنوان یک سایت جستجوگر جهانی تعداد جستجوی کلمه خلیج فارس به نسبت کلمه خلیج عربی بسیار کمتر است و این امنیت مباحث ملی را دچار مشکل می‌کند

درک این امر از آن نظر اهمیت دارد که در سطح کلان، فضای مکان‌ها عمدتاً عرصه "سیاست سخت" مبتنی بر مولفه‌های سیاسی، نظامی، و امنیتی و فضای جریان‌ها اساساً عرصه "سیاست نرم" مبتنی بر مولفه‌های اقتصاد، رفاه و توسعه است. به هر اندازه که کشوری تعریف و تامین منافع ملی خود را در چارچوب گفتمان حاکم بر فضای مکان‌ها و از طریق دیپلماسی سنتی تعقیب کند به "جهان گذشته" نزدیک می‌شود؛ جهانی که در آن الگوی حاکم بر روابط بازیگران به‌طور طبیعی شامل کشمکش سیاسی، درگیری نظامی، برخوردهای امنیتی و جنگ است؛ و به هر اندازه که تعریف و تامین منافع ملی کشور در چهارچوب گفتمان حاکم بر فضای جریان‌ها و از طریق تقویت دیپلماسی نوین (سایر دیپلماسی) تعقیب شود، آن کشور به "جهان آینده" نزدیک خواهد شد؛ جهانی که در آن الگوی حاکم بر روابط بازیگران مبتنی بر همکاری و رقابت توأمان خواهد بود.